طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة



پانزدهم شهر جمادی الاولی سنه ۱۳۱۱ هجری — مطابق با بیست و پنجم نوامبر ۱۸۹۳ عیسوی

ورقهٔ ماهانهٔ مدرسهٔ رشدیه که در دارالفنون تبریز معلوم و مطبوع شده است

تشکر

نسبت به صاحب منصبان می‌آید الحمد لله در این مدرسه،

مدرسه‌هایی دایر و برپا شده‌اند و این ترقی

حقیقی از جلالت و شرف دولت و این شهر

مدرسه که جمع و تمام علوم حاصل است از تفضلات

این جمع حضرت اقدس ارفع است در بنای این

اعلیحضرت اقدس شهریاری سلطان صاحبقران خلد الله

ملکه چنانکه همه دولت و ملت ایران را به ترقی

وطن برای او ترقی کند و چندان که ابواب

اختراع صنایع بدیع و خوب گشوده و مجد و دولت

قوی باشد آمین یا رب العالمین

تعلیم

تعلیم آنانکه در مدتی در آن مدرسه گذارده بودند

ورقهٔ ماهانه و اسامی آنها در آن ذکر گردید

در روز هفته و صحبت شده است و تا ساعت هجری

در ضمن تشریف فرمائی حضرت والا و دولت نظم و حکم آنجا

شعاع السلطنه روحی فداه است که برای تشویق شاگردان و

رسم ایشان را از بابت امور مدرسه که شامل تحصیل اطفال

مرحمت فرمودند و جلوس در اطاق با ساعتی

برای ترغیب شاگردان در مسلک ایشان مشغول

تعلیم و تعلم ملاحظه فرموده مراجعت فرمودند

و در حضرات و شرف شاهزادگان عظام و ارکان آقایان والاتبار

مردان دانشمند روحی فداه از قدوم

مقدم منصور خود زینت‌بخش مدرسه که شده در اینجا

گردیده مجلس علم و درس رفته در اطاق

ساعتی گشته و ملاحظه درس و بحث فرمودند

افتخار

چنانچه در ورقهٔ ماهانه ذکر شد که ذکر حضرت

اقدس امجد والا شاهزاده اعظم و سپهسالار اعظم

برای ترویج مدرسه و تعریف مدرسه در ورقهٔ دانش نقد

مراسلات اوراق مدرسه در تبریز شده و از تفضلات

طبع گردیده است صد و چند حق شکرگزاری را

مرحمت و کمال مرحمت حضرات را بجای

تعلیم و تعلم با یک درجه که در یاد دارم کمال رسید

کمترین مخلص و مفتخر گردید

و هم آقای نواب صدرالعلما و مقام عالی

دین مدرسه نیز گشت از این آستان ذات والا تربیت اکرم اعظم

مجلس کرم و منظم نمود و از هشتم ربیع الثانی دومرتبه

تربیت و ترقی کرده که مملکت را که تحصیل بکند

در ترقی و تهنیت قدوم سعد عرض کرده بود این ابیات

آنکه از مقدم تو زنده شود نام علوم

ای در صدد جان گرامی فدای تو علوم

نام هرکس شود از علم مکتبی زنده

لیک از مقدم تو زنده شده نام علوم

گشت این مدرسه از یمن تو زنده شده

خوشا مدرسه‌ها از سر دانش بس علوم

می توان گفت که چو خورشید تو ای
هم در انش که بر او صفحه گیتی [illegible]
دارم امید که از [illegible] این پس
همه مجهول [illegible] ایران [illegible]
معرفت [illegible] است [illegible]
[illegible] دانش [illegible] است [illegible]

از فروغ همه [illegible]
از فروغ همه [illegible]

امتحان

روز بیستم ربیع الثانی جمعی از اعیان دولت و ارکان ملت
با [illegible] که از خصایص حضرات است برای
ملاحظه نظم و ترتیب مدرسه تشریف آورده و شرح تفصیل
دروس و تحصیل شاگردان را دیده و پسندیده و بر حضرات
[illegible] آقای نظام [illegible] امتحان [illegible]
داشتند نظم و ترتیب مدرسه [illegible] شخص [illegible]

[illegible] از [illegible] و [illegible] خاتم

شرف حضور و الا [illegible]

در روز [illegible] مدرسه [illegible] است [illegible]
[illegible] آقایان عظام [illegible] ولایت
[illegible] مدرسه [illegible] اشخاص [illegible]
و وضع و ترتیب مدرسه و شاگردان [illegible]
[illegible] جناب [illegible] میرزا [illegible]
ترتیب [illegible] میرزا [illegible]
اول [illegible] شدیم [illegible] جناب [illegible]
[illegible] اشخاص [illegible] اطاق [illegible]
داشتند

جناب مستطاب [illegible] حجة الاسلام	جناب مستطاب [illegible] صدر [illegible]	جناب آقای [illegible]
جناب [illegible] میرزا [illegible]	جناب حاجی [illegible]	جناب [illegible] میرزا [illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
جناب [illegible]	بعد از صرف چای و شیرینی [illegible] اطلاع	

در [illegible] ترتیب [illegible] اطاق [illegible] اطفال
نظم و ترتیب [illegible] حاضر [illegible]
[illegible] درس [illegible]
[illegible] اطاق [illegible] درس [illegible]
اطفال [illegible] رسیدگی
[illegible] درس [illegible]
[illegible] اطاق [illegible]
[illegible] حاضرین [illegible]
[illegible] علم [illegible]
[illegible] جناب [illegible] علم [illegible]
که [illegible] تمام [illegible]
[illegible] پسندیده [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible] شاگردان [illegible]
[illegible] اطاق [illegible]
[illegible] اطاق [illegible]

[illegible] اطاق [illegible] از [illegible]
آن اطاق [illegible] جناب مستطاب آقای حجة الاسلام [illegible]
جناب مستطاب آقای حجة الاسلام [illegible]
[illegible] جناب [illegible] نظام [illegible]
[illegible] ملاحظه [illegible]
[illegible] اطاق [illegible]
[illegible] شاگردان [illegible]
[illegible] شاگردان
[illegible] قرآن [illegible] حاضرین [illegible]
[illegible] شاگردان [illegible]
[illegible] تمام [illegible]
[illegible] ترقیات شاگردان [illegible]

محض درج مجلس خادم ملت، بامتحان نظام ملت

رضایت

یکی از هموطنان گرامی که همیشه طالب رواج علوم و فنون و جمال
و خوشی در حضور و حساب بردن است و برادر مجلسه [illegible]
با کمال اشتیاق دارد بعد از [illegible] و رقعه [illegible] اطلاع
با نظام آن برای تشکر نامه [illegible] و ذیل [illegible] گذشت [illegible]
در مجلس ایشان ... این شخص محترم و [illegible] کلمات ذیل
در مد درج کردیم

تشکر از ترقی و انتظام دارالفنون مظفریه مصادف با تحصیل اولاد
وابسته
دیروز به زیارت [illegible] که دارالفنون [illegible]
ترقی فایز شدم دیدگی [illegible] بر مرور [illegible]
خوبیش روز و چنین [illegible] پس از چندی [illegible]

از آنکه در روزنامجات [illegible] در [illegible] و دست [illegible]
و الله ما عدم طالب [illegible] در مرتبه منزلم تجارت [illegible]
سابق [illegible] پسر [illegible] تعلیم [illegible]
[illegible] خاصه از تعلیم [illegible]
[illegible] و انتظام [illegible] دست [illegible]
[illegible] آنکه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

جاک شما ... از غلام زاده [illegible] از روز قابع
در [illegible] صحبت [illegible] می شود [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت عالم [illegible]
[illegible] حضرت اقدس والا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

جاب

[illegible]

در دست [illegible] محضر جناب [illegible]
که آنچه لازم [illegible] طبع [illegible]
[illegible] طبع [illegible]

اعلان

[illegible] حضرت اقدس [illegible] والا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

وضع رشدیه

چون [illegible] رشدیه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

حضرت اقدس والا ... الحمدلله الآن یک نفر معلم فارسی
و یک نفر معلم فرانسه و یک نفر معلم هندسه و حساب در اینجا
داریم [illegible]
در این مکتب رفته اطفال مبتدی را تعلیم کنند چون خود [illegible]
در تعلیم اطفال مهارت تامی دارند برای تعلیم شاگردان
مدرسه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

انتظام

یکی از شاگردان قدیم [illegible]
[illegible]
[illegible]

می‌شود ولی از آنجا که ما در مدرسه تعلیم داشتیم و ترقی اولاد
معلوم است [illegible]
[illegible]
[illegible]
در این مدرسه [illegible]
چند روزی در این حال [illegible]
نظم حالیه مدرسه [illegible]
[illegible]
چون از [illegible]
[illegible]
آنچه [illegible]
[illegible]
چون کودکان [illegible]
[illegible]
صدر الشعرا

خیال داشتیم [illegible] شاگردان [illegible]
[illegible]
[illegible]

ریاضیات	
[illegible]	[illegible]
درس [illegible]	
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
درس طب	
[illegible]	[illegible]
درس [illegible]	
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
درس ریاضی و جغرافی	
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
درس [illegible]	
[illegible]	[illegible]
[illegible]	
[illegible]	[illegible]
[illegible]	
[illegible]	[illegible]
[illegible]	۲ نفر
[illegible]	۴ نفر
[illegible] یک نفر	۵ نفر
[illegible]	[illegible]

انا مدینة العلم و علیٌ بابها